**زندگینامه و وصیتنامه شهید علی‌اکبر اسلامی**

**نام و نام‌خانوادگی دانش‌آموز: مهدی اسماعیلی**

**زندگینامه شهید علی اکبر اسلامی**

شهید علی اکبر اسلامی، فرزند کربلایی علی، فرزند مرحوم حاج حسین اسلامی تیلکی.

 شهید در دهم تیر ماه سال۱۳۴۳ در روستای معلم کلای سفلی از توابع شهرستان ساری متولد شد. در سن هفت سالگی دوره ی دبستان خود را در همین روستا شروع نمود. پس از اتمام دبستان، دوره ی راهنمایی را در بخش هشت ساری در مدرسه ی راهنمایی نیما، سپری نمود. شهید علی اکبر اسلامی در خانواده ای مذهبی پا به عرصه‌ی هستی گذاشت و در جایگاهی اسلامی تربیت شد.

علی اکبر در کارهای کشاورزی و دامداری به پدر خود کمک می کرد. او به نماز و روزه در ابتدای بلوغ به طور کامل عبادتش را انجام می داد و به چهارده معصوم عشق می ورزید. در راه حق تلاش و کوشش وافر داشت. اهل مسجد و حسینیه بود. با بچه های حزب اللهی محله، رفیق بود و در بسیج محله شرکت فعال داشت. در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ دوره ی آموزشی خود را در پادگان ولیکِ بابل به پایان رسانید. پس از چهل و پنج روز دوره ی آموزشی، به مناطق جنگی اعزام شد و در عملیات بیت المقدس( فتح خرمشهر) شرکت داشت. نامبرده از سال ۶۱ تاشهریور ۶۲ در خوزستان بود. در ۱۵ آذر سال ۶۲ به جبهه ی کردستان، غرب کشور، رهسپار شد و در آنجا از ناحیه ی دست مجروح شد. پس از مداوا دوباره به خط مقدم بازگشت و در ۱۲ دی ۶۲ در جاده ی دهکلان سنندج، به شهادت رسید. ایشان از نیروهای اطلاعات رزمی بود. و نقشه های سری را در اختیار داشت و به فرماندهان قرارگاه‌ها می‌رسانید. شهید فردی خویشتن دار بود. او ۶ ماه متوالی در جبهه به سر می برد و کمتر از مرخصی استفاده می‌کرد.

**وصیت نامه‌ی شهید علی اکبر اسلامی**

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیل الله صفّا کانّهم بنیان مرصوص.

( آنان که ایمان آوردند و از وطن خود هجرت کردند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد نمودند، آنها را نزد خدا مقامی است بلند و آنان بالخصوص رستگارند و سعادت مندان دو عالمند، همانا خداوند دوست می دارد آنان را که با صف های آهنین در راه خدا جهاد می کنند.)

قال الحسین (ع): انّی لا اری الموت الّا السعاده و الحیاه مع الظالمین الّا برما.

اکنون که این وصیت نامه را می نویسم، قرار است چند شب دیگر عملیات بشود و شاید خدای بزرگ بر من رحمی نماید و آرزویم برآورده شود و شهادت را در آغوش گیرم. شهادت دریچه ی آزادی من از این دنیا است. شهادت منتهای حرکت یک مسلملن است. شهادت آرزوی مشتاقان و عاشقان است. ای ملت آزاده، من چه می توانم برای شما بگویم، این شماها بودید که ماها را با تظاهرات میلیونی خود رهنمون شدید که ما بتوانیم خون خود را در راه شما که راه اسلام و راه هستی مطلق است، بریزیم تا این انقلاب بزرگ از خون ما سیراب شود؛ تا ما به آزادی و استقلال و حکومت اسلامی برسیم. ای اسلامیان، به رهبری رهبر بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی، پرچم اسلام را در سراسر گیتی برپا کنید. ای جوانان همه ی شما مسئولید در برابر انقلاب اسلامی و ملت های تحت ستم {مثل} فلسطین، لبنان، عراق، … برخیزید و بکوشید تا با یاری الله آن ها را از یوغ چپاول گران نجات دهید. ای مردم، بی تفاوت نباشید و هر کدام به نوبه ی خود تا می توانید بکوشید که کارگر در کارگاه، کشاورز در کشت زار، معلم در مدرسه، روحانی در اجتماع و همه و همه در صحنه، هرکدام تا می توانید برای این انقلاب پرشکوه بکوشید و انقلاب بزرگ را به پیروزی نهایی برسانید تا مقدمه ای باشد برای انقلاب بزرگ و جهانی اسلام به امامت حضرت مهدی بقیه الله، و در این راه از هیچ کس و هیچ چیز دریغ نورزید و نهراسید. ای جوانان، نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(ع) با ۷۲ تن از یارانش تشنه لب در صحرای کربلا به شهادت رسید و بهشتی و ۷۲ تن از یاران او نیز…. برخیزید و در راه خدا جهاد کنید. اول جهاد اکبر(مبارزه با نفس) و بعد جهاد اصغر، و هم چون رجایی و با هنر و دیگر عزیزان ما در جبهه ها و یاران امام در سنگر محراب.

ای خواهران، شما هم ننشینید؛ چرا که حضرت زینب(ع) با اسارت رفتن خود، خون حسین را زنده و پیروز نگه داشت.

شما هم در برابر خون شهیدان مسئولید و راه آنها را با تربیت فرزندانتان ادامه دهید. از همه ی شما خواهران می خواهم حجاب را در همه جا حفظ کنید.

درود و سلام بر پدر و مادری که فرزند خود را به جبهه های حق علیه باطل می فرستد و درود بر کسانی که به ندای امام امت لبیک گفتند و به جبهه ها رفتند تا از دین اسلام و قرآن و وطن اسلامی خود ایران دفاع کنند.تا به حال من مرده بودم واز آغاز جهاد و شهادت است که احساس می کنم تازه متولد شدم و زندگی جاوید خود را آغاز می کنم.شهادت است که انسان را به درجه ی اعلای انسانیت و ملکوت می رساند و چقدر شهادت شیرین و زیباست.ای پدر ارجمندم،سلام مرا بپذیر و مرا حلال کن و با استقامت و صبر و شکیبایی از انقلاب اسلتمی و مبادا روحیه ی خود را از دست بدهی و گریه کنی لی مادر مهربان و عزیز،سلام مرا بپذیر حلالم کن و افتخار کن فرزندی را که خدا به شما داده است او را تربیت نموده و در نتیجه به شرف شهادت نائل آمد.مادرم مبادا در فقدان من گریه کنی .

ای برادران عزیزم ،راه خدا بهترین و برترین راه هاست.پوینده وکوشنده ی این داه باشید .ای خواهران مسلمانم ،شما نیز زینب زمان باشید و در راه خدا مبارزه کنید وبا حجای خود خون شهیدان اسلام را ارج بنهید.ای ملت شهید پرورایران،تنها راه نجات اسلام ورهایی مستضعفین وپیروزی نهایی،پشتیبانی قاطع بی دریغاز دولت جمهوری اسلامی و پیوستن به خط امام که همان خط اصیل اسلام محمدی (ص)است،می باشد.هر کجا هستید از روحانیت مبارز دفاع کنید تا اسلام را به تمام جهانیان بشناسید.خون شهیدان را پایمال نکنید واز این خونها برای راهنمایی گداهان استفاده کنید تا اسلام را درک کنند وبه اسلام بپیوندند.ای ملت مسلمان،خدا وقران را هیچ وقت از یاد نبرید،قران بخوانید،آن را بشکافید که مسائل مهم اسلام در آن نهفته است.دعا هارا بیشتر بخوانید که خداوند میفرماید:بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را و میفرماید :نماز را سبک مشمارید وآن را با اخلاص بخوانید که نماز ستون دین و تنها راه رندگی به خداوند بزرگ است.هیچ وقت امام عزیز‌رهبر انقلاب و امت اسلامی را که نجات دهنده ی مستضعفان است،تنها نگذارید و به رهنمود های رهبر عزیز گوش فرا دهید و به آن عمل کنید.اگر لیاقت آن را داشتم که در راه خدا کشته شوم، مرا در مزار معلم کلا کنار شهید محسنی دفن کنید.چند کلمه دعای توسل را در حسینیه فراموش نکنید واز خدا بخواهید تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دارد.از شما می خواهمکه در نماز جماعت و دعای کمیل در حسینیه شرکت نمایید تا مشت محکمی بر دهان یاوه گویان و منافقان.در آخر از خواهران محله میخواهم که تا می توانند حجاب را رعایت کنند از همهی شما در پایان میخواهم امام را دعا کنید و سعی کنید در سازمان اطلاعاتی 36ملیونی شرکت ننمایید.خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

علی اکبر اسلامی